

عشق باید

آزاده غلامحسین جوزیان به روایت زینب جوزیان

میترا کمالی فر



سرشناسه: کمالی فر، میترا، ۱۳۵۸ -

عنوان و پدید آورنده: عشق پایدار: آزاده غلامحسین جوزیان به روایت زینب جوزیان / نویسنده: میترا کمالی فر / [به سفارش اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان ایلام / کنگره ملی ۳۰۰۰ شهید استان ایلام] / ویراستار: قاسم نظری؛ بتول میرزائی
مشخصات نشر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ایلام)، سپاه امیرالمؤمنین (ع)، انتشارات سوره‌های عشق، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۳۰۳ ص: (مصور) ۲۰/۵ * ۱۴/۵ س م
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۷۸-۳۴-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: جوزیان، غلامحسین، ۱۳۴۱ -

موضوع: جوزیان، زینب، ۱۳۴۷ - - خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - - آزادگان

موضوع: Released captives * - - ۱۹۸۸-۱۹۸۰، Iran-Iraq War

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ایلام)، سپاه امیرالمؤمنین (ع)، انتشارات سوره‌های عشق.

شناسه افزوده: کنگره سه هزار شهید استان ایلام.

شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان ایلام.

رده بندی کنگره: DSR ۱۶۲۹

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۴۹۸۵

عشق پایدار (به روایت زینب جوزیان)

میترا کمالی فر

ویراستار: قاسم نظری، بتول میرزائی
کارشناس نظامی: سرتیپ ۲ پاسدار جمال حسینی
ناظر: سرهنگ ۲ پاسدار محمد حیدریان
کارشناس فنی و محتوایی: نبی‌اله تبار
ناشر: انتشارات سوره‌های عشق

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰.۰۰۰ ریال



کنگره ملی ۳۰۰۰ شهید استان ایلام



مراکز بخش:

- ایلام، میدان امام خمینی (ره)، خیابان بعثت، بالاتر از تقاطع جمهوری، انتشارات سوره‌های عشق، تلفن ۳۳۳۱۳۰۱۰ - ۸۴.
- ایلام، میدان دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان ایلام، تلفن ۳۲۲۴۰۴۹۴ - ۸۴.



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



بنیاد مستظرفان انقلاب اسلامی
اداره کل اموال و املاک استان ایلام



مرکز حفظ آثار سپاه امیرالمؤمنین (ع)
استان ایلام



اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
استان ایلام

مقدمه

وقتی برای اولین بار در اداره‌ی کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان ایلام صحبت‌هایی در مورد زندگی حاج غلامحسین جوزیان؛ یکی از آزاده‌های سرافراز ایلامی شنیدم، برایم جذابیت زیادی داشت. تصمیم گرفتم داستان زندگی‌اش را بنویسم. با ایشان تماس گرفتم و وقت ملاقات خواستم. گفتند: حالشان مساعد نیست. گفتم: می‌توانم با حاج خانم (همسر آقای جوزیان) مصاحبه کنم، گفتند: حاج خانم ناراحتی قلبی دارد فعلاً نمی‌تواند صحبت کند. قرار شد هر وقت آمادگی داشت به من خبر دهند. چند ماه از ماجرا گذشت. نمی‌توانستم فراموش کنم. مخصوصاً وقتی حاج محمدتقی قاسمی جانشین سابق سپاه امیرالمؤمنین (ع) استان ایلام در برنامه‌ای، از صبر و استقامت و

عشق همسر حاج غلامحسین گفت و چنین بانوانی را در ردیف مجاهدان فی سبیل الله قرار داد، شوقم برای نوشتن بیشتر شد. صحبت از فراق ده ساله‌ی حاج غلامحسین و همسرش بانو زینب بود. فراقی که در وسط جشن عروسی‌شان شروع شد و حاج غلامحسین را اسیر دشمن و بانو زینب را اسیر انتظار حاج غلامحسین کرد. تصمیم گرفتم باز با ایشان تماس بگیرم. این بار حاضر به مصاحبه شد. وقتی به منزلشان رفتم از دلپشان برای حرف نزدن گفتند حاجی می‌گفت: «روزی هفت عدد قرص اعصاب می‌خورم.» باور کردنی نبود! هر کس آرامش و اخلاق خوب حاج غلامحسین را ببیند باورش نمی‌شود که قرص اعصاب مصرف می‌کند. اصلاً باورش نمی‌شود مشکلی داشته باشد. می‌دانستم علتش شکنجه‌ها و سختی‌های دوران اسارت است. حاج خانم می‌گفت: ده سال دوری حاجی و مشکلاتی که در آن زمان داشتم کار خودشان را کردند. وقتی آن صحنه‌ها را یادآوری می‌کنم قلبم با من همراهی نمی‌کند. وقتی حاج خانم صحبت می‌کرد و از ده سال انتظار، آوارگی و

درب‌ه‌دری و خاطرات تلخش می‌گفت، غمی عجیب بر چهره‌ی حاجی می‌نشست. هر زمان که حس می‌کرد حاج خانم غرق در خاطراتی شده که ممکن است حالش را خراب کند، برایش چایی می‌ریخت و به شوخی می‌گفت: «بسه دیگه الانه که فشارت بره بالا!» بعد با یادآوری خاطره‌ای خوب جو حاکم بر آن جا را تغییر می‌داد. خاطرات‌شان، فراز و نشیب زندگی‌شان، شنیدن احوالات حاجی در اسارت و بانو زینب در هشت سال جنگ و دو سال بعد از آن تا آزادی حاجی، وضعیت زندگی مردم جنگ‌زده‌ی مهران، تلاش‌شان برای ادامه‌ی زندگی، همه و همه شنیدنی است.